



وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری

پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و علوم انسانی

پایان نامه برای اخذ دکترای علوم سیاسی

گرایش اندیشه سیاسی

تطور اندیشه سیاسی تشیع در دوره معاصر

با تاکید بر تحولات ۵۰ ساله اخیر مکتب های نجف و جبل عامل

استاد راهنما: جناب آقای دکتر موسی نجفی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر فتح اللهی

پژوهشگر: محمد مهدی اسماعیلی

تابستان ۱۳۸۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چکیده

این پایان نامه براساس پاسخگویی به این سؤال اصلی که «دلایل اصلی تغییر و تحول در تطور اندیشه سیاسی تشیع در دوره معاصر چیست؟ و در سیر این تطور، شکل گیری، رشد و بالندگی مکاتب نجف و جبل عامل و تاثیرات آنها بر تحولات سیاسی چگونه بوده است؟» انجام شده است. فرضیه پژوهش هم عبارت است از «تحول درونی دستگاه فقهی تشیع و پس از آن، تصادم با اندیشه‌های جدید؛ علت اساسی تطور اندیشه سیاسی تشیع است و متعاقب آن تحول و تطور اندیشه سیاسی مکاتب نجف و جبل عامل، در دهه های اخیر، تحت تاثیر اقتضائات زیست بومی آنها قرار گرفته است». بررسی مسیر تاریخی مذکور نشان می دهد وقوع دو اتفاق مهم در حرکت جدید نظام فقهی شیعی؛ دوره معاصر را بستر ارائه دیدگاه های حکومتی مشخص و تدوین نظریه های حکومتی از سوی اندیشمندان نموده است. اولین اتفاق مربوط به غلبه جریان عقلانیت بر اخباری گری در میان فقها در پیش از ۲۰۰ سال قبل بود. این نراع تاریخی و اتفاق مهم؛ راه را برای اجتهاد شیعی در ابواب مختلف از جمله حکومت باز نمود. در این برهه، سیره عقلی و نهضت و جهاد عظیمی درجهان تشیع مسیر سرنوشت تفکر شیعی و به خصوص فقه و اندیشه سیاسی شیعی را متحول کرد.

در پژوهش پیش رو، با هدف واکاوی سیر تاریخی اندیشه سیاسی تشیع، تحولات و تطورات این حوزه اندیشگی طی دوپست سال اخیر بررسی شده است. با تقسیم و مرتبه بندی ادوار تاریخی این تفکر، غلبه جریان و گفتمان عقلانیت بر اخباریگری، به عنوان نقطه عطف، سیر این تحول مورد بررسی قرار می گیرد. دیدگاه ها و اندیشه های بزرگان سیاسی و اندیشه های شیعی نظیر صاحب جواهر، شیخ اعظم و میرزای شیرازی بررسی، و تأثیرات مهم مکتب سیاسی شیخ انصاری در ساخت سازه های اندیشه سیاسی شیعی تا زمان فعلی گفته خواهد شد. انقلاب مشروطه و عرصه مستقیم مفاهیم غربی در ساحت اندیشه شیعی، بر سرعت تحول و تطور دستگاه هاضمه فکری شیعی می افزاید. در این برهه، دسته بندی ها و اختلافاتی که میان اندیشمندان شیعی در فهم و بسط اندیشه غربی به وجود آمد، بررسی و ریشه یابی می شود. محصول تحول عقلانی و مواجهه با مدرنیته غربی، در سیر پایانی اندیشه شیعی، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در چارچوب نظریه مردم سالاری دینی به ظهور می رسد. این پژوهش نگاه ویژه ای به تحولات پنجاه ساله اخیر مکاتب اندیشه ای شیعی نجف و جبل عامل داشته است. قله رفیع اندیشه سیاسی شیعی در نجف، در این مدت، شهید سعید آیت الله محمدباقر صدر^(۵) است که نقش مهم و بی بدیلی به لحاظ تغذیه فکری و عملی جریان حاکمیت دینی در عراق داشته است. در سایه سار این اندیشمند فرزانه، گروه ها و احزاب سیاسی دینی متعددی در عراق به وجود آمد که به صورت مشروح به آنها اشاره خواهد شد. مرجعیت دینی نجف نیز، همیشه به عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار در ساحت فکری و تحولات جوامع شیعی حضور داشته است. آیت الله سید محسن حکیم (ره)، آیت الله سید ابوالقاسم خوئی^(۶) و آیت الله سید علی سیستانی در زمره مراجع عالی قدری هستند که به رغم عدم ارائه اندیشه سیاسی منسجم، نقش مهم و تأثیرگذاری در حوادث عراق و مکتب نجف داشته اند. مکتب جبل عامل نیز که به رغم سابقه درخشان و نقش مهمی که در ساخت جامعه

شیعی دوره صفوی داشت، دوره‌ای از رخوت را طی می‌نمود، با حضور مردان بزرگی چون علامه شرف‌الدین و به دنبال آن امام موسی صدر، حیات علمی و عملی دوباره‌ای یافت. اندیشمندان بزرگ معاصر آن نظیر علامه مغنیه، علامه سید محمدحسین فضل‌الله و مرحوم علامه محمدمهدی شمس‌الدین بزرگانی بودند که با تدوین و ساماندهی اندیشه شیعی و دیدگاه‌های سیاسی، متناسب با شرایط و مقتضیات جامعه لبنانی، به ارائه نظریه پرداخته‌اند. علامه شمس‌الدین، اندیشمند سیاسی برجسته مکتب جبل عامل است که بیش از دیگران در این عرصه ورود نموده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیرات گسترده آن، تفکر سیاسی جدیدی در لبنان نضج گرفت که به تدریج به گفتمان غالب شیعیان این خطه تبدیل شد. جنبش حزب‌الله، متأثر از اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، با حل معضل ارتباط با ولی فقیه عادل مستقر در کشور دیگر و شرکت در ساختار حکومتی یک کشور چند قومیتی که به لحاظ سهم‌دهی سیاسی نیز شیعیان در اقلیت قرار دارند، مرحله‌ای دیگر از بلوغ سیاسی اندیشه شیعی را به نمایش گذاشته است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۸.....	تمهید
۱۱.....	مقدمه

فصل اول: کلیات

۱۶.....	الف. طرح مسئله.....
۲۳.....	ب. سؤال‌های اصلی و فرعی.....
۲۴.....	ج. فرضیه‌ها.....
۲۵.....	د. ضرورت انجام تحقیق.....
۲۵.....	ه. پیشینه تحقیق.....
۳۰.....	و. اهداف.....
۳۱.....	ز. تعریف مفاهیم.....
۳۹.....	ح. واژگان کلیدی.....
۳۹.....	ط. نوع و روش تحقیق.....
۴۰.....	ی. ساختار تحقیق.....
۴۳.....	منابع فصل اول.....

فصل دوم

- سیر تاریخ تکوین اندیشه سیاسی تشیع و تحولات آن ۴۵
- گفتار اول: مدخلی بر اندیشه سیاسی در اسلام ۴۷
- گفتار دوم: مبانی اندیشه سیاسی شیعه ۴۹
- گفتار سوم: ادوار اندیشه سیاسی شیعه ۶۱
- گفتار چهارم: آغاز شکوفایی اندیشه سیاسی تشیع، پیروزی جریان فردگرا ۶۷
- گفتار پنجم: مواجهه اندیشه سیاسی شیعه با افکار جدید غربی ۹۶
- گفتار ششم: تأسیس نظام جمهوری اسلامی، تحقق علمی ولایت سیاسی فقها ۱۱۴
- منابع فصل دوم ۱۳۳

فصل سوم

- نگاهی به مکتب فقهی و سیاسی نجف با تأکید بر آرای آیت‌الله صدر ۱۳۵
- گفتار اول: نگاهی به پیشینه علمی حوزه نجف ۱۳۹
- گفتار دوم: فعالیت‌های سیاسی مکتب نجف ۱۶۲
- گفتار سوم: بازخوانی اندیشه سیاسی شهید صدر ۲۰۴
- گفتار چهارم: مکتب نجف و گروه‌های سیاسی شیعه‌های عراق ۲۲۰
- گفتار پنجم: وضعیت آتی جامعه شیعی و مرجعیت نجف ۲۳۰
- منابع فصل سوم ۲۳۴

فصل چهارم

- اندیشه سیاسی مکتب جبل عامل با تأکید بر آرای شمس‌الدین ۲۳۶
- گفتار اول: تشیع در جبل عامل ۲۴۱
- گفتار دوم: جبل عامل و حکومت صفویه ۲۵۲
- گفتار سوم: اندیشه سیاسی علما و فقهای مکتب جبل عامل ۲۸۷

گفتار چهارم: مکتب جبل عامل و جنبش‌های سیاسی	۳۱۶
گفتار پنجم: عامل دولت - ملت‌ها و تاثیر آن در اندیشه سیاسی تشیع	۳۳۳
منابع فصل چهارم	۳۳۹
فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۳۴۱
کتابشناسی	۳۵۷

تمهید

اندیشه سیاسی تشیع به‌عنوان یک منظومه فکری منسجم دارای سیر تطور و تحولی مشخصی در مسیر ۱۴۰۰ ساله خود است. نقطه کانونی و جوهری این تفکر مفهوم عمیق «ولایت و امامت» است که تصویر روشنی در منابع مرتبط دارد. فاصله عملی این تفکر با حوزه حکمرانی و حکومت در طول دوره غیبت، باعث کم‌توجهی به آن در مطالعات آکادمیک و کلاسیک شده بود که رشد و نضج تفکر دینی مبتنی بر اندیشه سیاسی تشیع و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آن را به یکباره در کانون توجهات قرار داد و موج گسترده‌ای از نظریه‌پردازی و تحقیقات در علل ایجاد انقلاب اسلامی و مهم‌تر، نقش الهام‌بخش آنکه حتی محدود به جهان اسلام نیز می‌شود را به دنبال داشت. انقلاب اسلامی ایران توانست ظرفیت بالای اندیشه سیاسی تشیع در بازتولید مفاهیم عمیق سیاسی دوره جدید بر اساس بنیان‌های نظری مستحکم خود را به تصویر بکشد و این توفیق بسیار مهمی است که در دوره جولان انواع نظریه‌ای پیشرفت و توسعه مبتنی بر معرفت‌شناسی تهران جدید غربی، نصیب این ساحت فکری برجسته و مترقی نمود.

با این رویکرد، در این رساله سیر تطوری اندیشه سیاسی تشیع و مبانی عمیق آن مورد واکاوی و بازخوانی قرار گرفته است و با تمرکز ویژه بر تحولات دوره معاصر که توان هضم و جذب اندیشه‌های متعارض و گوناگون را به او داده است، به بازنمایی این تحولات خواهد پرداخت.

نقطه آغاز جریان تفکر سیاسی شیعه در دوره معاصر، غلبه و تفوق گرایش اصولی و اجتهادی به گرایش اخباری است که با پذیرش ورود عقل و اصول عقلی به حوزه استنباط قواعد شرعی، گام اصلی و مهم برای ظرفیت‌سازی و انعطاف‌پذیری آن برداشته شد.

بسیاری از محققان و نظریه‌پردازانی که در دوره اخیر، در چرایی پیروزی انقلاب اسلامی ایران قلم زده‌اند و ناگزیر به بررسی نظری و ریشه‌ای آن دست زده‌اند، از این نقطه عطف و تحول‌ساز غفلت نموده‌اند و مبدأ تغییرات را به مواجهه با آموزه‌ای جدید تفکر غربی در دوره انقلاب مشروطه نسبت داده‌اند. مهم‌ترین عارضه این بحث، تقلیل یک حرکت اصیل و انقلابی، مبتنی بر باورها و ریشه‌های عمیق تاریخی - دینی، به یک حرکت واکنشی و مقطعی می‌باشد. آفت مهم این تقلیل‌گرایی، امروزه دامن بسیاری از همین نظریه‌پردازان را

تحلیل پویایی و دوام انقلاب اسلامی گرفته است. زیرا بر مبنای این رهیافت، انقلاب اسلامی واکنش و هیجانی زودگذری است که حداکثر با از میان رفتن رهبر و مؤسس نهضت، انحراف در مسیر آن و بازگشت به مسیر قبل از انقلاب اسلامی، امری حتمی و ناگزیر است.

«آن عوامل گذرا و موقتی است که قدرت‌یابی روحانیون را ممکن ساخت عبارت بودند از شخصیت کاریزمایی آیت‌الله خمینی، نفرت شدید مردم از شاه و ناتوانی‌های سازمانی احزاب غیر مذهبی که رژیم را در طول بیست و پنج سال بر آنها تحمیل کرده بود [از کودتای ۲۸ مرداد به بعد] غیرمحمتمل و بعید است که روحانیت، آیت‌الله خمینی دیگری عرضه کند.» (آبراهامیان، ۱۳۷۵: ۲۴)

این رساله در پرتو بیان حفظ و ریشه‌ای اندیشه سیاسی تشیع، و پایداری این تفکر در حوزه سیاست و حکمرانی و اداره بهینه امور سیاسی و اجتماعی جامعه و گسترش و توسعه فضای تفکری آن در دیگر حوزه‌های جغرافیایی و سیاسی نظیر منطقه خاورمیانه مبتنی بر این رهیافت بیان خواهد شد.

دوره مشروطه و مواجهه با آموزه‌های جدید تمدن غربی از نقاط عطف و تأثیرگذار در مسیر این تطور می‌باشد اما یگانه عامل در این راه نیست. از همین روست که علیرغم شکست ظاهری تلاش روحانیت و بدنه مذهبی جامعه در اتفاقات مابعد مشروطه، این جریان به حرکت عمیق خود ادامه داد و در حدود ۷۰ سال، این بار یک تجربه درخشان و کاملاً مبتنی بر باورهای بومی و مذهبی را بنیان نهاد.

در فاصله مشروطه تا انقلاب اسلامی، به‌صورت روشن و ملموس دو جریان تفکری در ساحت اندیشه سیاسی تشیع در مقابل هم شکل گرفته‌اند.

جریان اول مبتنی بر فهم عمومی و اکثریت اندیشمندان از منابع شیعی بر حق ولایت سیاسی فقها که ادامه جریان فکری اسلاف شیعی این حوزه نظیر صاحب جواهر، محقق کرکی، شیخ مفید و بزرگان دیگر تاکید دارد. جریان فکری دیگر به رأی و نظر مردم در تعیین نوع حکومت و البته در چارچوب احکام و شرعیات، مشروعیت می‌داد. مرحوم آخوند خراسانی در سلسله این جریان قرار دارد و بزرگانی نظیر مغنیه و شمس‌الدین از آخرین حلقه‌های این نوع تفکر می‌باشند.

ناکامی مشروطه و روی کار آمدن رضاخان در ایران، عدم توفیق جریان امل و مجلس اعلای شیعیان در مبارزه با اسرائیل در لبنان و مشکلات گسترده و پیچیده شیعیان در دوره حاکمیت رژیم بعثی در عراق، در مقابل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و موفقیت بی نظیر جنبش حزب الله لبنان در پیروزی بر اشغالگران، نشان از برتری علمی جریان معتقد به حاکمیت دینی در جوامع شیعی و مقبولیت بالای مردمی این گونه تفکر دارد.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که مبتنی بر اندیشه سیاسی اصیل شیعی به وقوع پیوست، پیش از آنکه یک تحول سیاسی مهم قلمداد شود، تلنگر جدی بر اندیشه تمدن جدید مغرب‌زمین در الزام تاریخی جوامع و ملل دیگر در پیمودن مسیر رشد و توسعه به شیوه آنها، و دارای ماهیتی شالوده‌شکنانه بود. رنسانس و آغاز دوره جدید، نگاه مغربیان را از آسمان به زمین آورد و انسان و تمایلات وی در بنیان و اساس نظریات دانشمندان آن دیار قرار داد. از آنجایی که اندیشه جدید در تقابل با دستگاه فکری کلیسا و مدعیات دینی آنها پا گرفته بود، حذف و یا حداقل انزوای تفکر دینی به کلید واژه نظریه‌پردازی غربیان تبدیل شد. از این منظر، جوامع بشری برای نیل به آرمان شهری که آنها توصیف می‌کردند بایستی از قالب اعتقادات و تفکر دینی خارج شوند. آنها این الگو و مدل را برای جوامع دیگر نیز توصیه می‌کردند، از این رو، پس از ورود و استعمار بخش‌های مختلف جهان اسلام، به شدت به ترویج این ایده پرداختند. بخشی از این مأموریت هم به برخی از نخبگان و روشنفکران متأثر از آنها واگذار شد. بررسی روند نیز نشان می‌داد تفکر استعماری علی‌رغم مقاومت‌های مختلف، با فراز و نشیب و استفاده از شیوه‌های متنوع، در مجموع موفقیت قابل توجهی را به دست آورده است. اما یکی از کانون‌های همیشگی مقاومت در برابر این هجمه نظامی و فرهنگی، تشیع و اندیشه‌های مترتب بر آن بود. سلاح اصلی تمدن غربی در این مصاف، تفکر و فرهنگ بود که اندیشه سیاسی تشیع به مدد عقلانیت ذاتی خود بالقوه توان هضم و پاسخگویی به تحولات و مفاهیم وارداتی را داشت. در حوزه سیاسی، قانون، حقوق شهروندی، مشارکت سیاسی و حق اکثریت و به دنبال آن تفکر ناسیونالیستی و ایجاد دولت - ملت‌های جدید و انقراض خلافت اسلامی مسایلی بودند که علی‌رغم دشواری، اندیشه شیعی توانست مقاومت فکری و فرهنگی مناسبی را به عمل آورد و در نهایت پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت سیاسی تفکر شیعی، گسست جدی را در منظومه تفکری تمدن جدید به دنبال داشت. انقلاب اسلامی ایران

و قائد عظیم‌الشأن آن با اخذ شکل و قالب مفاهیم جدید و تزریق محتوای دینی و مذهبی به آن، تمدن غربی را زمین‌گیر نمود. تداوم سی ساله انقلاب اسلامی، دلیل روشنی بر توانایی اندیشه سیاسی شیعه در اداره سیاسی و اجتماعی جامعه است.

امروز، این اندیشه با استفاده از فرم و شکل مفاهیم غربی، علیرغم همه مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، سهم عمده‌ای را در اداره جوامع شیعی و نقش الهام‌بخشی برای طرفداران تفکر دینی در کشورهای اسلامی و داعیه‌داران عدالت در اقصی‌نقاط دنیا داشته است. در پژوهش پیش رو، با هدف واکاوی سیر تاریخی اندیشه سیاسی تشیع، تحولات و تطورات این حوزه اندیشگی طی دو‌یست سال اخیر بررسی شده است. با تقسیم و مرتبه‌بندی ادوار تاریخی این تفکر، غلبه جریان و گفتمان عقلانیت بر اخباریگری، به‌عنوان نقطه عطف، سیر این تحول مورد بررسی قرار می‌گیرد. دیدگاه‌ها و اندیشه‌های بزرگان سیاسی و اندیشه‌های شیعی نظیر صاحب‌جواهر، شیخ اعظم و میرزای شیرازی بررسی، و تأثیرات مهم مکتب سیاسی شیخ انصاری در ساخت سازه‌های اندیشه سیاسی شیعی تا زمان فعلی گفته خواهد شد.

انقلاب مشروطه و عرصه مستقیم مفاهیم غربی در ساحت اندیشه شیعی، بر سرعت تحول و تطور دستگاه هاضمه فکری شیعی می‌افزاید. در این برهه، دسته‌بندی‌ها و اختلافاتی که میان اندیشمندان شیعی در فهم و بسط اندیشه غربی به‌وجود آمد، بررسی و ریشه‌یابی می‌شود. محصول تحول عقلانی و مواجهه با مدرنیته غربی، در سیر پایانی اندیشه شیعی، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در چارچوب نظریه مردم‌سالاری دینی به ظهور می‌رسد.

این پژوهش نگاه ویژه‌ای به تحولات پنجاه‌ساله اخیر مکاتب اندیشه‌ای شیعی نجف و جبل عامل داشته است. قله رفیع اندیشه شیعی در نجف، در این مدت، شهید سعید آیت‌الله محمدباقر صدر^(۵) است که نقش مهم و بی‌بدیلی به لحاظ تغذیه فکری و عملی جریان حاکمیت دینی در عراق داشته است. در سایه‌سار این اندیشمند فرزانه، گروه‌ها و احزاب سیاسی دینی متعددی در عراق به‌وجود آمد که به‌صورت مشروع به آنها اشاره خواهد شد. مرجعیت دینی نجف نیز، همیشه به‌عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار در ساحت فکری و تحولات جوامع شیعی حضور داشته است. آیت‌الله سیدمحسن حکیم^(ره)، آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی^(۵) و

آیت‌الله سید علی سیستانی در زمره مراجع عالیقدری هستند که به رغم عدم ارائه اندیشه سیاسی منسجم، نقش مهم و تأثیرگذاری در حوادث عراق و مکتب نجف داشته‌اند.

مکتب جبل عامل نیز که به رغم سابقه درخشان و نقش مهمی که در ساخت جامعه شیعی دوره صفوی داشت، دوره‌ای از رخوت را طی می‌نمود، با حضور مردان بزرگی چون علامه شرف‌الدین و به دنبال آن امام موسی صدر، حیات علمی و عملی دوباره‌ای یافت. اندیشمندان بزرگ معاصر آن نظیر علامه مغنیه، علامه سید محمدحسین فضل‌الله و مرحوم علامه محمدمهدی شمس‌الدین بزرگانی بودند که با تدوین و ساماندهی اندیشه شیعی و دیدگاه‌های سیاسی، متناسب با شرایط و مقتضیات جامعه لبنانی، به ارائه نظریه پرداخته‌اند. علامه شمس‌الدین، اندیشمند سیاسی برجسته مکتب جبل عامل است که بیش از دیگران در این عرصه ورود نموده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیرات گسترده آن، تفکر سیاسی جدیدی در لبنان نضج گرفت که به تدریج به گفتمان غالب شیعیان این خطه تبدیل می‌شود. جنبش حزب‌الله، متأثر از اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، با حل معضل ارتباط با ولی فقیه عادل مستتر در کشور دیگر و شرکت در ساختار حکومتی یک کشور چند قومیتی که به لحاظ سهم‌دهی سیاسی نیز شیعیان در اقلیت قرار دارند، مرحله‌ای دیگر از بلوغ سیاسی اندیشه شیعی را به نمایش گذاشته است.

بررسی مجموع این تحولات، دستمایه یک پژوهش پنج‌ساله در این حوزه را برای نگارنده به‌وجود آورد. بی‌تردید فضای علمی حاکم بر پژوهشکده اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، زمینه اصلی در ایجاد انگیزه برای این مطالعه بود. در این مدت استفاده از محضر اساتید اندیشمند به ویژه استاد راهنمای این پژوهش، جناب آقای دکتر موسی نجفی سهم بسزایی در شکل‌گیری و بسط اطلاعاتی و تحلیلی نگارنده داشته است که صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

طبیعی است ضعف‌های مفروض این کار متعلق به قلم کم‌توان اینجانب و امتیازات آن متعلق به بزرگانی است که امکان طی این مسیر میمون و پربرکت را برای بنده فراهم نموده‌اند.

لازم است از همراهی های صمیمانه خانواده عزیزم، همسر صبور و فرزندان نازنینم، در طول دوران تحصیل در دوره دکترا و تدوین این پایان نامه تشکر نمایم.

امید است با تشکیل هرچه سریع تر دولت عدالت محور مهدوی^(عج) و حکومت انسان کامل، شاهد تجلی و حاکمیت کامل اندیشه شیعی در جهان باشیم.

فصل اول:

کلیات

الف - طرح مساله

حاکمیت اندیشه سیاسی شیعه در طول نزدیک به سه دهه گذشته؛ تجربه نوینی در تاریخ سیاسی کشورمان بوده است. این تجربه جدید در طول این مدت؛ از منظرهای متفاوت مورد توجه قرار گرفته و تحلیل گران به بررسی آن پرداخته اند. آنچه در این میان مورد اتفاق است آن است که این پدیده دفعی و ناگهانی نبوده؛ بلکه با طی فرایند تاریخی و در بستر تحولات سیاسی؛ فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایران به وقوع پیوسته است. از این رو؛ تلاش ما در این مجموعه ابتدا ارایه تصویری روشن از سیر تاریخی تطور در اندیشه سیاسی تشیع که سر آخر منجر به به اداره مستقیم سیاسی جامعه توسط فقها در پرتو یک نظریه دینی - سیاسی شد؛ می باشد. هم چنین نگاه ویژه ای به نحوه رشد و بالندگی دو مکتب نجف و جبل عامل، در پرتو این تطور کلی، در طول پنجاه سال اخیر خواهیم داشت.

با توجه به تخصیص عنوان این پایان نامه به نگاه ویژه به مکاتب نجف و جبل عامل و تحولات فکری آنها در ۵۰ ساله اخیر آرای اندیشمندان بزرگ شیعی و موثر اصلی در این دو مکتب، به ویژه آیت الله شهید محمد باقر صدر و آیت الله شیخ محمد مهدی شمس الدین و تاثیرات آنها در شکل دهی جریانات فکری و سیاسی فعلی در صحنه لبنان و عراق مورد بررسی قرار خواهد گرفت. چرا که امروز مجلس اعلای شیعیان و گروه های شیعی نظیر امل در لبنان و گروه های مختلف سیاسی در صحنه عراق نظیر مجلس اعلای اسلامی عراق، حزب الدعوه و حتی جیش المهدی ذیل این مکاتب تعریف می شوند.

در ادامه، برای تبیین دقیق مساله ناچار از طرح سیر تاریخی مساله هستیم:

نظریه های نظام سیاسی شیعه به لحاظ نظری بر «اندیشه امامت و ولایت» استوارند. اهتمام شیعیان در حفظ و توسعه این مفهوم موجب شده است که در طول تاریخ اسلام، مجموعه نسبتاً منسجمی از استدلال های عقلی، نقلی و تاریخی در توجیه و تبیین مشروعیت نظام سیاسی شیعه فراهم شود. چنان که بسیاری از پژوهشگران اندیشه های اسلامی تأکید کرده اند، «امامت» تنها اصل اساسی است که شیعیان (دوازده امامی) را از دیگر فرقه های اسلامی متمایز می کند.

شیعیان بر خلاف اهل سنت، به مسئله امامت چونان رکن اساسی دین و جزئی از اصول مذهب می نگرند. به اعتقاد شیعه، امامت منصبی الهی است که خداوند با توجه به علم خود درباره شرایط و نیازهای بندگان و همانند پیامبر تعیین می کند و ضمن آنکه پیامبر را موظف به راهنمایی امت به سوی امام نموده، مردمان را نیز مکلف به پیروی از او می کند. تفاوت امام با پیامبر تنها در این است که بر امام همانند پیامبر وحی نمی شود، بلکه احکام الهی بر او القا و الهام می شود. پس پیامبر مبلّغ و پیام رساننده از جانب خداست و امام نیز از طرف پیامبر؛ و سلسله امامت تا امام دوازدهم ادامه دارد و همواره امام قبلی بر امام بعدی تصریح و توصیه نموده اند و شرط و تأکید کرده اند که همه آنان همچون پیامبر معصوم هستند.

این تقریری است که تا آغاز دوران غیبت کبری امام دوازدهم (عج) هیچ یک از مکاتب اندیشه ای شیعه در آن اختلافی ندارند. از این تاریخ تا تشکیل دولت شیعی صفوی در قرن دهم با یک خلا نظریه پردازی مسنجم روبرو هستیم؛ هر چند در همین دوره شش قرنی، به تدریج مبانی سلوک شیعه و نسبت آن با حاکمیت های مستقر در آرا و رفتار سیاسی بزرگانی نظیر خواجه نصیر و علامه حلی در قالب الگو و مدلی قابل تعریف می شود. با برپایی دولت صفوی، به تدریج شاهد شکوفایی اندیشه سیاسی شیعه در آرای اندیشمندان سیاسی بزرگی نظیر مرحوم محقق کرکی (ره) در این دوره هستیم. البته در این دوران درگیری فکری دیگری نیز به نام اختلاف مشرب فقهی و اجتهادی با مشرب اخباری گری در حوزه اندیشه شیعی پیش آمد که امکان نضج جدی اندیشه سیاسی و هم چنین سایر مباحث کلامی و فقهی را سلب می نمود. اخباریون یک جریان نیرومندی بودند که در واقع نزدیک بود

چراغ عقل را در میان تشیع را خاموش کنند و اگر آن جریان ادامه پیدا می کرد، بزرگترین امتیاز تشیع یعنی اجتهاد و اتکا به تفکر و عقل و اندیشه در استنباط احکام شرعی از میان می رفت.

بررسی مسیر تاریخی مذکور نشان می دهد وقوع دو اتفاق مهم در حرکت جدید نظام فقهی شیعی؛ دوره معاصر را بستر ارائه دیدگاه های حکومتی مشخص و تدوین نظریه های حکومتی از سوی فقها نموده است.

اولین اتفاق مربوط به غلبه جریان عقلانیت بر اخباری گری در میان فقها در پیش از ۲۰۰ سال قبل بود. این نراع تاریخی و اتفاق مهم؛ راه را برای اجتهاد شیعی در ابواب مختلف از جمله حکومت باز نمود. در این برهه، سیره عقلی و نهضت و جهاد عظیمی در جهان تشیع مسیر سرنوشت تفکر شیعی و به خصوص فقه و اندیشه سیاسی شیعی را متحول کرد. پرچم دار این نهضت علامه وحید بهبهانی (۱۱۱۷-۱۲۰۵) بود که در برابر اخباری گری، توانست تفکراجتهادی و اصولی، استفاده از عقل و قواعد عقلی، را حاکم کند. از آن پس غلبه و قدرت مکتب اجتهاد تقریباً همه حوزه های علوم دینی را در بر گرفت. شکل گیری دستگاه های رسمی مرجعیت و به تبع آن گسترش نفوذ معنوی و سیاسی مراجع شیعی، در حوزه جغرافیایی خارج از سلطه پادشاهان ایرانی و با استقلال کامل از حکومت های وقت، حاصل این اتفاق بود. به طور مثال، فتحعلی شاه برای رسمیت و مشروعیت دادن به قدرتش، هنگام جلوس بر تخت سلطنت از شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء که از بزرگان فقها در زمان او بود اجازه گرفت و سپس از ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵) درخواست نمود که رساله عملیه ای را تألیف نماید تا به دستورات آن عمل شود. ملا احمد به دلیل تمایل شاه رساله وسیله النجاة را در دو مجلد نوشت و به او هدیه نمود.

این دوره سرآغاز شکل گیری جدی مباحث مربوط به نحوه اداره سیاسی جامعه است. شاگردان مستقیم و با واسطه مرحوم بهبهانی (ره) نظیر ملا احمد نراقی، صاحب جواهر و شیخ انصاری هر یک به صورت دقیق به تشریح دیدگاه های تشیع در مورد دیدگاه های مکتب اجتهادی تشیع و اختیارات فقها در مسایل حکومتی پرداختند.

در ادامه نیز این موضوع با یک حادثه بزرگ فکری و سیاسی دیگر دیگر تلاقی پیدا نمود و آن هم پیروزی انقلاب مشروطه و روبه رو شدن با تفکرات جدید دنیای غرب و مساله ای با عنوان نقش مردم در اداره جامعه بود. در بستر فراهم شده از غلبه عقلانیت؛ این تصادم تاریخی موجب تحول جدی در اندیشه سیاسی شیعی، و به وجود آمدن نحله‌های فکری مختلف شد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با حاکمیت اندیشه‌های دینی و هدایت و رهبری فقیه جامع‌الشرایط تشکیل شد. این تحول شگرف، تأثیرات بنیادینی در حوزه اندیشه سیاسی، و شکل‌گیری جنبش‌های مردمی برای تاسیس نظام‌های سیاسی مبتنی بر تفکر اصیل دینی به جا گذاشت. با این حال، اندیشه‌های هادی در انقلاب اسلامی هم خود ریشه در دو تحول فوق‌الذکر دارد و دقیقاً با سوالات و چالش‌های روبرو است که در طول یک صد سال اخیر به عنوان متغیر تأثیر گذار فرا روی کلیت اندیشه سیاسی تشیع قرار دارد.

این سوالات و چالش‌ها، حول نحوه حضور و مشارکت مردم در تشکیل ساختارهای حاکمیتی شکل گرفته است. پارادایم‌های رابطه دین و مردم سالاری در اندیشه سیاسی شیعه، به رغم تنوعات عمده‌ای که دارند، بر دو مبنای مهم و متفاوت استوار هستند که، هر دو، ریشه در تحقیقات و جریان‌های فقهی - سیاسی دوره بعد از تفوق نظام اجتهادی و عقلانیت بر اخباری‌گری، دارند، و از حکم و اصلاح و توسعه در همان نظریه‌ها زاده شده‌اند: یکی، اندیشه‌های معطوف به ولایت سیاسی فقیهان که در آثار اندیشمندانی چون ملا احمد فاضل نراقی (۱۱۸۵ - ۱۲۴۵) و بویژه در تحقیقات شیخ محمد حسن صاحب جواهر (۱۲۰۲/۱۲۰۰ - ۱۲۶۶ق) بسط یافته است. دیگری، مبنایی متفاوت دارد که در برخی اندیشه‌های سیاسی شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ق) و به صورت اجماعی، در آثار آخوند خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ق) تقویت شده است.

نظریه اول بر پایه ولایت سیاسی فقیهان، و بر عکس، نظریه دوم بر نفی ولایت سیاسی فقیهان استوار است. اما هر دو اندیشه، تلاش گسترده‌ای در راستای تعیین حدود شریعت و مردم سالاری انجام داده‌اند. آخوند خراسانی با تکیه بر این چشم‌انداز فقهی وارد معرکه مشروطه‌خواهی شدند و از همین زاویه دید به تحلیل نظام مشروطه و عناصر دموکراتیک آن پرداختند. پی‌جویی تحولات فقهی - سیاسی

پدید آمده در اندیشه فقیهان ملتزم به مکتب آخوند، از مشروطه تاکنون، نشان می‌دهد که این نظریه مسیر ویژه ای را طی یکصد سال اخیر ترسیم نموده است. این حرکت را شاید بتوان به صورت زیر بیان کرد:

«تحریم سلطنت به عنوان جور مطلق، وجوب مشروطه به مثابه شرّ کمتر». در دوره غیبت، شیخ انصاری به اقتضای دیدگاه کلامی - فقهی خود درباره امامت نتیجه می‌گیرد که هر نوع تصرف در امور عامه اعم از دوره حضور یا غیبت، نیازمند دلیل و اذن مستدل است، و در صورت فقدان دلیل یا تردید در حجیت و دلالت آن، اصل عدم جواز تصرف و بنابراین حرمت این نوع تصرفات است. آنگاه شیخ حوزه‌های ولایت امام معصوم در امور عامه را به سه قلمرو افتاء، قضاء و سیاست (تصرف در اموال و انفس) تقسیم می‌کند، و به طور مستقل به بررسی تفصیل ادله آنها می‌پردازد. اما او در پایان بررسی‌های خود نتیجه می‌گیرد که ولایت در افتاء و امور قضاوت در دوره غیبت از شئون فقیهان و بویژه فقیه اعلم است. لیکن با توجه به تردیدی که در ادله ولایت سیاسی فقیهان در دوره غیبت دارد، قدرت سیاسی را از اختصاصات شخص معصوم و منوط به وجود شخص امام (ع) دانسته و به طور کلی از قلمرو اختیارات فقیهان - و به طریق اولی هر کس و نهاد دیگری - خارج می‌کند. او تأکید می‌کند در اموری که مشروعیت آن در دوره غیبت مورد تردید است، مانند اجرای حدود توسط غیر شخص امام (ع) و... با ادله موجود (مقبوله عمر بن حنظله و توقیع و...) نمی‌توان مشروعیت آنها را برای فیه اثبات نمود، بلکه نیازمند دلیل دیگری است که اکنون موجود نیست. (شیخ مرتضی انصاری، ۱۴۱۰: ۱۲۴)

شیخ انصاری دو نتیجه رفتاری - شرعی را از تحلیل خود اتخاذ می‌کند. نخست آنکه فقیهان در دوره غیبت ولایت سیاسی ندارند. و دوم آنکه به اعتبار ولایت فقیهان در فتوی؛ اولاً همگان باید به منظور کسب تکلیف شرعی خود به فتوای فقیه مراجعه کنند و ثانیاً فقیه به رغم فقدان ولایت تصرف در حوزه سیاست، موظف است که درباره تصرفات سیاسی دیگران اظهار نظر نموده و فتوی صادر نماید. به عبارت دیگر، فقیه مجاز به تصرفات سیاسی نیست اما درباره نظرخواهی الزامی مردم به خصوص مشروعیت و یا عدم مشروعیت تصرف دیگران در حوزه سیاست نیز نمی‌تواند ساکت باشد و ناگزیر باید

نظر شرعی خود را بیان کند.

این دیدگاه غالب در مورد آرای شیخ است، اما در این میان بزرگانی از فقها و پژوهشگران قائل به عدول شیخ از این دیدگاه هستند که به صورت تفصیلی در فصل دوم، به آن خواهیم پرداخت.

مجتهدان مشروطه خواه به اقتضای نظر مشهور شیخ، که سر سلسله دولت مشروطه را دولتی ذاتاً جائز، اما با میزان شرک کمتر توصیف کرده‌اند زیرا به اعتقاد آنان «غصبیت اصل تصدی» با مشروطه کردن دولت زایل نمی‌شود.

در اینجا با توجه به موضوع پژوهش که نگاه تکمیلی به تحولات دو مکتب نجف و جبل عامل در ۵۰ سال اخیر دارد، باید تصریح شود که ریشه‌های هر دو این نظریه‌ها بازگشت به آرای اندیشمندان دوره مشروطه دارد. در این خصوص، نگاهی به آرای شهید سید محمد باقر صدر و مرحوم محمد مهدی شمس الدین و دیگر اندیشمندان برجسته که دارای آثار مکتوب و مستقل و کاملاً تاثیرگذار در نسل فعال در عرصه‌های فکری، سیاسی و اجتماعی لبنان و عراق می‌باشد، ضروری است.

تحقیقات معاصر در این دو مکتب، عموماً بر رهیافت فقهی - سیاسی مبتنی بر مبانی شیخ انصاری و بویژه آراء آخوند خراسانی تأکید دارند. شهید صدر در آخرین دیدگاه خود نظریه خلافت مردم با نظارت مرجعیت ارایه می‌دهد. آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر، از متفکران برجسته اندیشه اسلامی معاصر، نظریه حکومت انتخابی بر اساس شرع را در سال ۱۳۷۸ هـ-ق در تعالیم حزبی «الاسس الاسلامیه» ابراز کرده است. وی دولت مبتنی بر نظریه خلافت با نظارت مرجعیت را که مقید به قانون باشد، جمهوری اسلامی می‌نامد زیرا معتقد است که شرع بر رئیس دولت و مردم به نحو مساوی سیطره دارد و هر عملی در آن یا به نص شرعی است یا به انتخاب مردم و یا براساس هر دو. (سید محمد باقر صدر، ۱۴۲۶ق: ۱۳۵) شهید صدر در آخرین اثر خود به نام لمحہ تمهیدیه در پاسخ به علمای لبنان این نظریه را بیان می‌کند. در این نظریه با تفکیک میان مسولیت خلافت و شهادت در دوران غیبت، نظارت عالی بر عهده فقیه جامع الشرایط و تصدی دولت و قوه مقننه، خلافت بر عهده مردم است و

تایید صلاحیت رییس دولت و مصوبات مجلس بر عهده این فقیه خواهد بود.

اما شمس‌الدین به گونه دیگری می‌اندیشید. به نظر او وجود دولت و نظام سیاسی ضروری جامعه انسانی است و وجود و عدم آن ارتباط تکوینی با وجود و غیبت امام معصوم (ع) ندارد. بنابراین، چیزی که برای ابد ضروری است نمی‌تواند محکوم به جور ذاتی و تحریم دائمی باشد، بلکه باید به وجهی مشروعیت داشته باشد. شمس‌الدین، در راستای استدلال خود توضیح می‌دهد که «اصل اولی» عدم مشروعیت سلطه احدی بر دیگری است. و اگر سلطه‌ای هم باشد، سلطه متقابل مؤمنان بر یکدیگر است که سلطه‌ای متساوی‌الاطراف است. زیرا به تعبیر قرآن «انما المؤمنون بعضهم اولیاء بعض» هستند. شمس‌الدین اضافه می‌کند که نصوص قرآنی همچنین بر اولویت ولایت پیامبر (ص) تصریح دارد که: «النبیّ اولی با المومنین من انفسهم». اندیشه شیعه ائمه معصوم (ع) را از حیث اولویت بر مؤمنان، همانند پیامبر اسلام (ص) می‌دانند و بدین سان، در حالت حضور پیامبر یا ائمه معصوم، البته مسئولیت ولایت را به عهده دارند. اما در صورت عدم حضور ائمه و نیز فقدان دلیل استوار بر انتقال ولایت معصوم (ع) بر فقیهان یا کسان دیگر، البته آیات قرآنی مسئولیت ولایت را به خود امت حمل می‌کند. شمس‌الدین دیدگاه خود را با عنوان ولایت امت بر خویشان (ولایة الامة علی نفسها) می‌نامد. او استدلال می‌کند که ادله‌ای روشن در راستای وجوب تأسیس نظام سیاسی به منظور حفظ نظام زندگی مسلمانان وجود دارد. از طرف دیگر در دوره غیبت با فقدان دلیل بر ولایت فقهاء از یک سو، و عدم مشروعیت سلطه احدی بر دیگری از سوی دیگر، زندگی شیعه با نوعی تعارض در عصر غیبت مواجه است. به نظر او تنها راه خروج از این تعارض و بن‌بست، فرض نوعی «منطقه الفراغ تشریحی» و ضرورت خروج از اصل اولی عدم سلطه به اندازه حاجت و نیاز در دوره غیبت است. به تعبیر دیگر، نیاز به سلطه سیاسی، مقتضی خروج از اصل اولی عدم مشروعیت سلطه احدی بر دیگری، به اندازه و قواره نیاز است. بنابراین، هر چند دولت و سلطه در دوره غیبت از مناطق «فراغ تشریحی» است، اما «منطقه الفراغ تشریحی» محکوم به اصل اولی عدم سلطه است و به ناچار باید در خروج از اصل اولی در منطقه الفراغ به اندازه قدر متیقن و مورد احتیاج جامعه غیبت اکتفاء نمود و فراتر از حاجت محکوم به عدم مشروعیت